یادداشت میهمان

دشمنِ خود را بشناس

پیام راهبردی رهبر معظم انقلاب دارای نکات بسیار مهمی برای ملت ایران و مسئولان امروز و جوانانی که فردا مسئولیت اداره کشور را برعهده می‌گیرند، بود و شاید نیاز به ده‌ها مقاله و جلسه برای تبیین این پیام با تکیه بر تقابل دوگانه جدید«اسلام و استکبار» لازم باشد و جوانان و تشکل‌های انقلابی آتش به اختیار باید به این ضرورت همت گمارند. هرچند این پیام همچون آبی سرد بر تمام سیاه‌نمایی‌ها و واژگون‌سازی‌های دشمنان و جنگ روانی- رسانه‌ای آمریکا و متحدانش علیه ملت ایران در یک‌سال گذشته بود و نشست ورشو را به‌عنوان ماحصل تمام این تلاش‌های خبیثانه به محاق برد، اما در این مجالِ محدود به این فراز و سؤال اصلی پیام حضرت آقا می‌پردازیم که چرا «ملت‌هایی که به پا خاسته و انقلاب کرده‌اند به‌جز تغییر حکومت‌ها، نتوانستند آرمان‌های انقلابی خود را حفظ کنند، امّا انقلاب پُرشکوه ملّت ایران توانسته به حرکت خود ادامه دهد»؟! علاوه بر عوامل مختلف، محوری‌ترین عامل و آنچه که توانسته بزرگ‌ترین انقلاب جهان را بدون خیانت به آرمان‌هایش به چلّه پُرافتخار خود برساند، بصیرت مردم و رهبری انقلاب در مورد اهداف و سیاست‌های پشت پرده نظام سلطه و استکبار جهانی و عدم اعتماد به هرگونه مذاکره و نتایج آن با دشمنان ملت ایران و در رأس آنها آمریکا و در یک کلمه «دشمن‌شناسی» است. نسلی که انقلاب را به‌وجود آورد و آن را در گام دوم تحویل نسل بعدی داده، با استفاده از تجارب گذشته در سطوح ملی، منطقه‌ای و در صحنه بین‌المللی، آگاه بود که علت نافرجام همه انقلاب‌های دنیا که نتوانستند آرمان‌های خود را حفظ کنند و از مسیر و اهداف اصلی خود منحرف شدند و شکست خوردند، انفعال و تسلیم برخی از انقلابیون دیروز و سیاستمداران امروزشان بوده است. در انقلاب‌های گذشته جهان و به‌ویژه انقلاب مشروطه ملت ایران اگر سران آنها تسلیم فشارها و پذیرش توافقات تحمیلی نظام سلطه نمی‌شدند و به مردم و آرمان‌های انقلابشان پشت نمی‌کردند و یا انقلابیون تحت تاثیر فضاسازی‌های دروغین نظام سلطه و خیانت دنباله‌های داخلی آنها قرار نمی‌گرفتند، قطعا آن انقلاب‌ها و از جمله انقلاب مشروطه ایران نیز به انحراف کشیده نمی‌شد. اگر از تن دادن انقلاب‌های الجزایر و کبیر فرانسه و اکتبرِ شوروی به جاه‌طلبی‌های استعمار و استثمار مردم و همچنین وادادگی و بعضاً، خیانت پشت پرده و جهالت برخی از سران انقلاب مشروطه ایران که منجر به ادامه تسلط استبداد و استکبار بر ملت ایران تا سال ۵۷ شد، بگذریم، مذاکرات پشت پرده برخی از شخصیت‌های متزلزل انقلابی با آمریکایی‌ها در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از آن را باید مصادیقی از جهالت و یا خیانت آنها برای به انحراف کشاندن انقلاب اسلامی از آرمان‌هایش دانست که با هوشیاری و درایت رهبری انقلاب و دشمن‌شناسی و موقعیت‌شناسی مردم انقلابی خنثی و موجب حرکت انقلاب در مسیر آرمان‌های اولیه و اصیل خود تاکنون شده است. خیانت‌های دولت موقت و بنی صدر و قرارداد الجزایر در اوایل انقلاب و ماجراهایی مثل مک فارلین و ایران کنترا در طول جنگ تحمیلی و پذیرش سیاست‌های تعدیل اقتصادی بانک جهانی و سیاست کنار زدن نیروهای انقلابی از صحنه مدیریت کشور با دستورالعمل صندوق بین‌المللی پول در دولت سازندگی و مذاکرات و نامه‌های ذلت‌بار محرمانه به آمریکایی‌ها در دولت اصلاحات و اکنون تلاش‌های موذیانه جریان غربگرای نفوذی برای تحمیل قراردادهای تحمیلی همچون سند ۲۰۳۰ و معاهده پاریس و برجام و اف‌ای‌تی‌اف و اینستکس و... همگی بخشی از مصادیق فشارهای سیاسی- اقتصادی - رسانه‌ای نظام سلطه برای تحمیل زیاده‌خواهی‌های خود در پای میز مذاکره و به انحراف کشاندن انقلاب اسلامی است، اما تاکنون به مدد وجود رهبری آگاه و تیزبین و مردمی هوشیار و بصیر و حاضر در صحنه نتوانسته است. در صحنه بین‌المللی نیز به‌عنوان یک نمونه آنچه که باعث شده شصت سال پیروزی انتفاضه ملت فلسطین به تاخیر بیفتد و رژیم صهیونیستی به اشغالگری و جنایت‌های خود ادامه دهد، همین خیانت و نشستن پشت میزه مذاکره با این رژیم و پذیرش قراردادهای تحمیلی از سوی برخی سران خائن و سازشکار فلسطینی است. انقلاب‌های موسوم به بهارعربی بویژه خیانت محمد مرسی در انقلاب مصر نیز مصادیق ملموس سال‌های اخیر است. در مقابل آنچه باعث شده که امروز بعد از چهل سال روسیه به تجربه و سیاست درست جمهوری اسلامی مبنی بر عدم مذاکره با آمریکا و فریبکاری این کشور در مذاکرات برسد و اعلام کند هرگاه سران آمریکا به بلوغ رسیدند، حاضر به مذاکره با آنهاست، نشان می‌دهد که یک کشور چگونه بدون باج دادن به آمریکا در پای میز مذاکره، می‌تواند با مقاومت منافع ملی خود را حفظ کند و با قدرت و استقلال در صحنه ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی حضوری تاثیرگذار داشته باشد. لذا در انقلاب اسلامی ایران از همان آغاز نهضت تاکنون اولا رهبری آن با آگاهی کامل از نقشه‌های دشمنان هیچ‌گاه به مذاکرات خیانت‌بار با دشمنان تن نداده و تسلیم فشارهای نظام سلطه نشده و به وعده‌های آمریکا و چند کشور اروپایی که به دروغ خود را جامعه جهانی القاء می‌کنند، اعتماد نکرده و برعکس با مقاومت خود، نهال مقاومت را در اعماق جان و دل ملت ایران و بلکه ملت‌های منطقه و جهان بارور کرده است. ثانیا هرگاه برخی انقلابیون دیروز در لباس سیاستمدار تجدیدنظرطلبِ امروز پشت پرده و به دور از دید مردم با دشمنان ملت به مذاکره و داد و ستد آرمان‌های انقلاب پرداختند، مردم با آگاهی بخشی رهبری انقلاب و حضور هوشمندانه در صحنه از تحقق سیاستهای استکباری به انقلابیون متزلزل و غربگرای داخلی تحمیل شده است جلوگیری کرده‌اند.

ثالثا اگر براساس مصلحت جامعه و کشور و برای دفاع از امنیت مردم و تامین منافع ملی جایی حاکمیت اجازه مذاکره در موضوعی خاص را داده، اولا با اطلاع مردم بوده و ثانیا نتایج آن را صادقانه به اطلاع مردم رسانده و ثالثا بدون هیچگونه «تجدیدنظرپذیری در اصول و آرمان‌های انقلاب و انفعال»، مردم را به عبرت آموزی از نتایج آن مذاکرت فراخوانده است. لذا مقاومت و تسلیم نشدن مردم و رهبری انقلاب اسلامی درمقابل پیشنهادهای وسوسه انگیز و فریبکارانه آمریکا برای مذاکره بر سراصول و آرمان‌های انقلاب،موجب« صیانت از اصالت شعارهای انقلاب» و «ورود انقلاب به دوّمین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمّدن‌سازی» و زمینه‌ساز «ورود نسل جوان امروز به فرایند بزرگ و جهانی چهل سال دوّم» شده است تا به جهان اعلام کند «آرمان‌های این انقلاب الّهی تاریخ مصرف ندارد و افول پذیر نیستند».این یک قاعده اساسی است که انقلاب اسلامی با «بی‌مبالاتی به خطوط اصلی»خود و با «عمل انفعالی» و «مذاکره پشت پرده با دشمنان» نمی‌توانست چهل سال در مقابل دشمنان ایستد و از «نظریّه نظام انقلابی» دفاع کند، بلکه با «عمل انقلابی و پایبند بودن به اصول خود و مرزبندی با دشمنان» از این نظریه با افتخار دفاع کرده است،چون برایش مهم است که «چرا و چگونه بماند». لذا جوانان عزیز که پیمودن گام دوم انقلاب اسلامی به آنها سپرده شده ،باید بدانند«برای برداشتن گامهای استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها درس گرفت» تا آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار نگیرد.دراین خصوص اولین و مهم‌ترین تجربه ملت ایران بی‌اعتمادی کامل به دشمنان و در راس آنها آمریکا و چند کشور خبیث اروپایی و پرهیز از حیله‌گری آنهاست، چرا که تجارب صد ساله گذشته و به‌ویژه چهل سال بعداز انقلاب نشان می‌دهد آمریکا و انگلیس و فرانسه در هیچ مذاکره‌ای با کشورهای مختلف به تعهدات و وعده‌های خود عمل نکرده‌اند و جز امتیاز گرفتن و فریبکاری،از میز مذاکره برای طرف مقابل چیزی باقی نگذاشتند.

در کشور خودمان حداقل در سال‌های اخیر دهها تجربه از جمله مذاکرات سعدآباد و برجام و اس پی وی و اینستکس اکنون پیش ملت ایران و جوانان ما قرار دارد و ملت ایران در هرگونه مذاکره‌ای جز خسارت هیچ نفعی نبرده است. براین اساس رهبری تصریح دارند: «پیشنهادهای سران نظام سلطه عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است وامروز ملّت ایران علاوه بر آمریکای جنایتکار،تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیرقابل اعتماد می‌داند و دولت جمهوری اسلامی نباید از تهدیدهای پوچ آنان بهراسد». دومین تجربه که جوانان باید به آن واقف و مصر باشند این است که در دنیای کنونی برداشتن گام‌های استوار و تحقق اهداف انقلاب اسلامی و حمایت از ملت ایران و ملت‌های مظلوم منطقه و جهان جز با قوی شدن و مدیریت جهادی میسر نیست و باتکیه به این اصل هرگونه مذاکره بر سر قدرت دفاعی و موشکی کشور کاملا بیخردانه و غیرممکن است.سومین تجربه ملت ایران این است که هرگاه مسئولان در مقابل فشارهای دشمنان بر اصول انقلاب پای فشردند، توانسته‌اند با پیشرفت کشور مشکلات مردم را حل کنند، و هرگاه دل به مذاکره با دشمنان برای حل مشکلات بستند! و مرعوب فضاسازی‌های آنها شدند، آنگونه که رهبری تاکید کردند «اگر بی‌توجّهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی در برهه‌هایی از تاریخ چهل‌ساله نمی‌بود بی‌شک بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت». لذا جوانان آینده ساز کشور باید بدانند «همه راه حل‌ها در داخل کشور است»و این تحلیل سراپا غلط که «علت مشکلات اقتصادی و تحریمها مقاومت ضدّ استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است»، از القائات نظام سلطه است که از سوی جریان نفوذی به تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران و افکار عمومی کشور القاء می‌شود.

دکتر محمدحسین محترم

گزارش خبری تحلیلی کیهان

اجلاس ورشکسته‌ها در ورشو نمایش تحقیر آمریکا

سرویس سیاسی-

نشستی که از هفته‌ها پیش تبلیغات فراوانی در مورد آن شده بود، در حالی روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه در شهر «ورشو» برگزار شد که به قطعیت می‌توان گفت نه تنها هیچ‌یک از اهداف از پیش تعیین شده آن محقق نشده، بلکه در مواردی این کنفرانس یک گام به عقب نیز برای آمریکا بود و موجب تحقیر آمریکا شد.

زمانی که «مایک پامپئو» وزیر خارجه آمریکا چند هفته پیش در مصاحبه با شبکه «فاکس نیوز» از توافق واشنگتن و ورشو برای برگزاری نشستی برای ایجاد ائتلافی علیه ایران صحبت کرد، جنجال زیادی به‌راه افتاد و تحلیلگران نزدیک به رژیم صهیونیستی آن را نقطه عطفی در جهت مقابله با ایران توصیف کردند.

محلی برای همراه کردن اروپا و آسیا با تلاش برای اعمال فشار به ایران، مقدمه تشکیل ناتوی عربی و محفلی برای پیشبرد طرح معامله قرن، همگی توصیفاتی بود که از زبان مقام‌های آمریکایی در مورد این نشست شنیده می‌شد.

اما نشانه‌های شکست ورشو حتی پیش از آغاز آن هم قابل مشاهده بود؛ زمانی که مقام‌های آمریکایی و لهستانی از بیم انصراف گسترده کشورها از شرکت در نشست مجبور شدند در ظاهر دستور کار نشست را گسترده‌تر کرده و ادعا کنند که قرار نیست ورشو «محلی برای بدنام کردن ایران و تاختن به یک کشور» باشد و آنها مجبور شدند این سیرک مضحک را با حضور ورشکستگان سیاسی مانند رژیم صهیونیستی، عربستان، امارات، بحرین و... برگزار کنند. حالا با اتمام این نشست، دیگر به قطعیت می‌توان گفت که نه تنها هیچ‌یک از این اهداف محقق نشده، بلکه در مواردی این کنفرانس یک گام به عقب نیز برای آمریکا بوده و موجب تحقیر آمریکا شده است.

سخنرانی «مایک پنس» معاون رئیس‌جمهور آمریکا نشان داد نه تنها این نشست اروپایی‌ها با واشنگتن همراه نکرده، بلکه ممکن است به تشدید تنش میان طرفین هم منجر شود.

پنس در سخنرانی‌اش با لحنی بی‌سابقه متحدان آمریکا در اروپا را خطاب قرار داد، آنها را به تلاش برای تضعیف تحریم‌های آمریکا متهم کرد و با عباراتی آمرانه گفت که اروپایی‌ها باید از برجام خارج شده و به کارزار فشار به ایران بپیوندند. اظهارات پنس واکنش اروپایی‌هایی از جمله دستیار وزیر خارجه آلمان را هم به همراه داشت.

به گزارش فارس نشست ورشو در حرکت به سمت یک ائتلاف منطقه‌ای علیه ایران هم موفق نبود. شایعه شده بود که «بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی ممکن است در جریان این نشست در برابر دوربین‌ها با وزرای کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس دست دهد و حتی روند عادی‌سازی روابط با این کشورها را اعلام کند.اما اوج دستاورد نتانیاهو از این نشست، شام خوردن زیر یک سقف کنار وزرای عرب و حضور در عکس دسته‌جمعی شرکت‌کنندگان در این نشست بود.

موضوع طرح سازش تشکیلات خودگردان فلسطین با رژیم صهیونیستی هم پیشرفتی نداشت، بیش از همه به این دلیل که یک طرف این «معامله قرن»، یعنی تشکیلات خودگردان، در اعتراض به انتقال سفارت آمریکا به قدس‌اشغالی، اساسا ماه‌هاست که ایالت متحده را «فاقد صلاحیت میانجیگری» خوانده و در نشست‌هایی که واشنگتن برگزار می‌کند، شرکت نمی‌کند.

اندیشکده مطرح آمریکایی: نشست ورشو شکست خورد

به دنبال پایان نشست ضدایرانی لهستان، اندیشکده آمریکایی «استراتفور» درباره این نشست به شکست آمریکا در رسیدن به اهداف ضدایرانی خودش اذعان کرد و در گزارشی با این عنوان تصریح کرد: «در نشست ورشو هیچ پیشرفتی برای آمریکا درباره ایران صورت نگرفت».

طبق گزارش این اندیشکده آمریکایی، «نشست (ورشو) به جای برجسته کردن همگرایی و اتفاق نظر در مسائل مربوط به امنیت خاورمیانه، تاکیدی بر واگرایی و اختلاف نظر بود. از همه قابل ملاحظه‌تر اینکه، استدلال‌های آمریکا درباره لزوم اتخاذ مواضع سرسختانه علیه ایران در همراه کردن بسیاری از مقام‌های اروپایی با این مواضع بار دیگر شکست خورده است».

عطوان: ورشو ایران را به نماد مقاومت و دفاع از ملت‌های اسلامی مبدل کرد

«عبدالباری عطوان»، نویسنده سرشناس جهان عرب در بخش سخن سردبیر روزنامه فرامنطقه‌ای «رای الیوم» کنفرانس ورشو را رخدادی فاجعه بار و شرم آور در تاریخ جهان عرب توصیف کرد و نوشت : عرب‌ها با گذاشتن تاج رهبری جهان عرب بر سر نتانیاهو و به ذلت کشاندن خود درکنفرانس ضدایرانی ورشو، ایران را به «نماد» مقاومت و دفاع از ملت‌های عربی و اسلامی و مقدسات آنها و مسائل برحق و عادلانه تبدیل کردند.

وی تصریح کرد: ما آرزو داشتیم که یکی از وزیران عرب حاضر در این نشست شجاعت داشت تا میکروفون را بگیرد و در مورد تهدید اسرائیل برای منطقه صحبت کند و یا هزینه۷ تریلیون دلاری آمریکا برای جنگ در عراق، افغانستان، سوریه، لیبی و یمن و کشتار میلیون‌ها نفر با بمب‌های هوشمند مرگبار و اورانیوم غنی شده صحبت کنند اما زمان وزیران شجاع در این دوره حاکم بر جهان عرب که غرق در نادانی است، به پایان رسیده است.

عطوان همچنین نوشت: این یک لحظه تاریخی است و ما اطمینان می‌دهیم که کسانی که آمریکا را در افغانستان، عراق، سوریه و اسرائیل در جنوب لبنان (دو بار) و در نوار غزه (چهار بار) شکست دادند، در هر جنگ آتی علیه محور مقاومت برنده خواهند شد.

تحلیلگر آمریکائی: نشست ورشو یک سیرک فاجعه‌بار بود

«فرد کاپلان» تحلیلگر آمریکایی نیز معتقد است که در نشست اخیر ورشو، آمریکا منزوی شد نه ایران. وی در گزارشی که پایگاه «اسلیت» منتشر کرده، نوشته است که بین وکلا اصطلاحی متداول است به این مظمون: «پرونده‌ای را به دادگاه نبر مگر اینکه مطمئن باشی که برنده می‌شوی» دیپلمات‌ها هم همین رویکرد را دارند و این یعنی: «هرگز فراخوان برگزاری یک نشست بزرگ جهانی را تا زمانی که در راستای تحقق اهداف تو نباشد، صادر نکن.»

وی همچنین تاکید کرده است: در مجموع نشست ۶۰ کشور در ورشو یک فاجعه بود و نمونه دیگری از تفکر سطحی و بی‌کفایتی است که از زمان روی کار آمدن «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا بر کاخ سفید حاکم شده است. در ادامه این گزارش آمده است که لهستان قبول کرد که برای این سیرک (نشست ورشو) چادر تهیه کند. آنها این کار را کردند چون می‌خواهند که آمریکا در کشورشان یک پایگاه نظامی دائمی داشته باشد و تمامی تلاش خود را به کار گرفته‌اند تا رئیس‌جمهور آمریکا را راضی کنند.

«ان بی‌سی»: دولت ترامپ در کنفرانس ورشو تنها ماند

شبکه خبری «ان بی‌سی» آمریکا هم عدم استقبال بسیاری از متحدان اروپایی ایالات متحده آمریکا از «کنفرانس ورشو» را شکستی برای دیپلماسی دولت ترامپ توصیف کرده است.

این رسانه آمریکایی در گزارشی چنین نتیجه گرفته که دولت ترامپ همچنان در تشکیل یک ائتلاف وسیع جهانی برای تشدید فشار علیه ایران ناکام مانده است و تا اطلاع ثانوی تنها باید به فشارهای اقتصادی و تحریم‌های یکجانبه خود اکتفا کند.

همچنین ۳ دیپلمات ارشد عضو ناتو به شرط افشا نشدن نامشان به این رسانه آمریکایی گفته‌اند: «بسیاری از متحدان ایالات متحده آمریکا از حضور در نشست ورشو خودداری کردند و این پیام را به دولت ترامپ رساندند که حاضر نیستند در نشستی حضور یابند که هدف آن به طور مشخص علیه یک کشور خاص (ایران) برنامه‌ریزی شده باشد.»

به نوشته ان‌بی‌سی: عدم حضور بسیاری از بزرگان اروپایی از جمله آلمان و فرانسه و نیز عدم حضور کشورهایی چون روسیه و چین و شرکت در سطح پایین - در سطح سفرا- برخی دیگر از متحدان اروپایی آمریکا در نشست ورشو، نشان می‌دهد دولت ترامپ نتوانسته حمایت جهانی گسترده برای تشکیل ائتلافی بزرگ بر ضد ایران، کسب کند.

این رسانه آمریکائی تصریح کرد: دولت ترامپ امیدوار بود که کنفرانس ورشو که برگزاری آن همزمان با چهلمین سالگرد انقلاب ایران برنامه‌ریزی شده بود، نشانگر وحدت جهانی در برابر تهران باشد اما بسیاری از کشورهایی که از سیاست ترامپ در قبال ونزوئلا پشتیبانی کردند، در موضوع کنفرانس ورشو، به او نپیوستند.

سرشکستگی حامیان تروریسم در لهستان

آمریکایی‌ها به‌عنوان دشمنان اصلی ملت ایران در ۴۰ سال گذشته، به‌رغم سرمایه‌گذاری‌های کلان برای به شکست راندن انقلاب اسلامی و متوقف کردن حرکت رو به جلوی ملت ایران، در همه برنامه‌های‌شان با شکست و ناکامی مواجه شدند و دلیل اصلی این شکست‌ها و ناکامی‌ها، محاسبات غلط و نشناختن مردم و جامعه ایران است. آنها طی این سال‌ها از هیچ خباثتی برای به زانو درآوردن ملت ایران فروگذار نکردند اما در مقابل هر بار با تو دهنی محکم‌تر ملت مواجه شده‌اند و برایشان نتیجه‌ای جز سرشکستگی نداشته است.

خبر ویژه

«مجمع» کوتاه نیاید؛ خون شهدای ترور برگردن گردانندگان FATF است

مجمع تشخیص مصلحت نظام در حالی امروز به بررسی لایحه پالرمو (از ملحقات FATF) می‌پردازد که گردانندگان FATF در پوشش مبارزه با تأمین مالی تروریسم، آمران و حامیان اصلی جنایات تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران هستند.

در جنایت تروریستی شامگاه چهارشنبه گذشته، در جاده خاش- زاهدان ۲۷ تن از رزمندگان سپاهی مدافع مرز به شهادت رسیدند و ۲۳ نفر دیگر مجروح شدند. گروهک جیش‌الظلم (بقایای گروهک ریگی) که تحت حمایت آمریکا و انگلیس و عربستان قرار دارند، مسئولیت این جنایت را برعهده گرفته‌اند. شبکه دولتی انگلیس بارها به ترویج این گروهک تروریستی و گروه‌های مشابه پرداخته و در جریان فتنه سبز، مصاحبه ریگی را پخش کرد. همچنین ریگی در جریان سفر به پایگاه آمریکایی‌ها در ماناس قزاقستان و ملاقات با ریچارد هالبروک (نماینده وقت دولت آمریکا در پاکستان و افغانستان) توسط نیروهای امنیتی کشورمان در آسمان ایران شکار شد.

چند ماه قبل نیز گروهک تروریستی الاحوازیه که مقر آن در اروپا قرار دارد، شماری از هموطنان‌مان را در حاشیه مراسم رژه نیروهای مسلح به خاک و خون کشید. همچنین تروریست‌های سازمان منافقین خلق طی یک سال اخیر، در برخی پایتخت‌های اروپایی و آمریکا فعالیت علنی داشته و مورد حمایت قرار گرفته‌اند.

اکنون که تروریست‌ها، شماری از مرزبانان کشورمان را مورد حمله تروریستی قرار داده‌اند، کمترین نشانه‌ای از حساس شدن کمیته FATF و گردانندگان کنوانسیون‌هایی مانند CFT و پالرمو دیده نمی‌شود. چه اینکه مافیای گرداننده این سازمان‌ها، همان حامیان انواع فرقه‌های تروریستی ضد ایرانی هستند.

با این اوصاف، سزاوار است اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام امروز به نشانه اعتراض به رفتار دوگانه آمریکا و برخی دولت‌های اروپایی، به لایحه مربوط به پالرمو «نه» بگویند. اکنون خون قربانیان جنایت تروریستی اخیر، بر گردن گردانندگان FATF سنگینی می‌کند و دولت و وزارت خارجه به جای پذیرش انتظارات ضد امنیتی، باید از حامیان تروریست‌ها طلبکار شوند.

ارادت شهید مطهری به امام(ره) و پسری که خاندان را گم کرده است

علی مطهری ادعای جعلی بودن نامه امام به منتظری و نیز درباره نهضت آزادی را پس گرفت و گفت منظور من این بود که ای کاش این دو نامه از امام نبود(!)

مطهری که مدت‌هاست جایگاه نایب‌رئیسی مجلس را به پادویی باند مهدی هاشمی معدوم و گروهک آمریکایی نهضت آزادی فرو کاسته، در پی مواجهه با اعتراض‌های گسترده، مجدداً متنی را منتشر کرد و در این باره نوشت: در جوابیه «جماران»، برای این مطلب که آن دو نامه به خط امام خمینی است دلایلی ذکر شده بود، در حالی که تأکید اصلی من روی دستخط نبود بلکه روی این مطلب بود که محتوای این دو نامه با سیره و شخصیت امام خمینی چندان سازگار نیست. نامه نهضت آزادی در پاسخ به وزیر کشور وقت در زمانی صادر شده که آن نهضت با ادامه جنگ مخالفت می‌کرد و به نوعی پشت جبهه تضعیف می‌شد و امام (ره) از دست آنها ناراحت بودند و حکم به منع ورود آنها در قوای سه گانه صادر و آنها را از حقوق اجتماعی‌شان محروم نمودند، که البته این می‌تواند یک امر موقت بوده باشد، و نامه ۱۳۶۸/۱/۶ مربوط به آیت‌الله منتظری نیز در شرایط سخت روحی و جسمی امام عزیز صادر شده و شامل تعابیر تندی است. لذا این دو نامه با ادبیات امام اندکی فاصله دارد و ما نباید زیاد روی آنها تکیه کنیم.

وی می‌افزاید: در واقع حرف من این بود که ای کاش این دو نامه از امام خمینی نمی‌بود و جعلی بود ولی اکنون که موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی آن را اصیل می‌داند ما نیز می‌پذیریم ولی معتقدیم باید محتوای این دو نامه را با توجه به شرایط زمان نگارش آن در نظر گرفت و مثلا در مورد حکم نهضت آزادی آن را موقت تلقی کرد نه دائمی، تا ساحت آن بزرگمرد از هر شائبه‌ای پاک بماند. وقتی برای درک مقصود حدیث معصوم توجه به شرایط زمان و مکان و سؤال‌کننده را لازم می‌شماریم چرا در این موارد به این عناصر توجه نداشته باشیم.

این مغالطه آمیخته به جفا و تحریف در حالی است که اولا نهضت آزادی نه یک بار بلکه بارها و بارها به عنوان یک «خط» - و نه خطا- مرتکب خیانت و تحریف واقعیات و ارجاف (شایعه‌پراکنی و خالی کردن دل مردم در برابر دشمن) شد. و پس از رحلت حضرت امام نیز در فتنه‌انگیزی سال‌های ۷۸ و ۸۸ نقش فعال داشت.

ثانیا علی مطهری بسیار بی‌جا و غلط می‌کند که تعیین تکلیف می‌کند امام چه باید می‌نوشته و چه نمی‌نوشته یا نامه ایشان (نعوذبالله) از سر دلخوری و شرایط جسمی و... بوده است. این رویکرد همان روش منکر ولایت امیرمومنان(ع) است که وقتی پیامبراعظم(ص) خواستار حاضر کردن قلم و کاغذ برای انشای فرمانی مهم شد، به پیامبر(ص) جسارت کرد!

البته در اینکه علی مطهری دمدمی مزاج است تردیدی نیست اما اینکه آدم هرهری‌مسلک، به امام‌خمینی(ره) جسارت و قیاس به نفس کند، به هیچ عنوان پذیرفته نیست و باید از سوی قوه قضائیه و هیئت رسیدگی به تخلفات نمایندگان مورد پیگرد واقع شود. گفتنی است خوارج نیز بلاهت را با غرور درهم آمیخته بودند و توقع داشتند امام علی(ع) پیرو دمدمی مزاجی آنها باشد، نه امامی که باید فرمان بدهد و دیگران تبعیت کنند. لابد اگر به امثال علی مطهری بود تا به حال دهها بار مملکت را به منافقین و لیبرال‌ها و آمریکا و انگلیس که در برجام بزک شده بودند، می‌فروختند.

و بالاخره اینکه اگر انتساب فرزندی استاد شهید مطهری را از علی مطهری بگیرند، هیچ هویت و آورده و هنر مستقلی برای این نماینده مذبذب باقی نمی‌ماند. در واقع او از نامه استاد شهید سوءاستفاده کرد و اکنون در حال خیانت به منظومه فکری شهید مطهری است که در مقابل امام، تواضع تمام داشت و البته که هر کس به اندازه درک و فهم خود، با امام خمینی مواجه می‌شود.

این عبارات از استاد شهید مطهری، عمق ارادت و دلبستگی آن استاد فرزانه به امام عظیم‌الشأن را می‌رساند: «و اما آن سفر کرده که صدها قافله دل همراه اوست، نام او، شنیدن سخنان او، روح گرم و پرخروش او، اراده و عزم آهنین او، استقامت او، روشن‌بینی او، ایمان جوشان او که زبانزد خاص و عام است یعنی جان جانان، قهرمان قهرمانان، نور چشم و عزیز روح ملت ایران، استاد عالیقدر و بزرگوار ما حضرت آیت‌الله العظمی خمینی - ادام الله ظله- حسنه‌ای است که خداوند به قرن ما و روزگار ما عنایت فرموده و مصداق بارز روشن «ان‌الله فی کل خلف عدولا ینفون عنه تحریف المبطلین» (به‌راستی خدای را در هر عصری بزرگمردانی عادل است که تحریف‌های اهل باطل را از دین او برمی‌دارد) است.

قلم بی‌تابی می‌کند که به پاس دوازده سال فیض‌گیری از محضر آن استاد بزرگوار و به شکرانه بهره‌های روحی و معنوی که از برکت نزدیک بودن به آن منبع فضلیت و مکرمت کسب کرده‌ام اندکی از بسیار را بازگو کنم. من که قریب دوازده سال در خدمت این مرد بزرگ تحصیل کرده‌ام، باز وقتی که در سفر اخیر به پاریس به ملاقات و زیارت ایشان رفتم، چیزهایی از روحیه او درک کردم که نه فقط بر حیرت من، بلکه بر ایمانم نیز اضافه کرد. وقتی برگشتم، دوستانم گفتند: «چه دیدی؟». گفتم چهار تا «آمن» دیدیم. آمن به هدف- به هدفش ایمان دارد. دنیا اگر جمع بشود نمی‌تواند او را از هدفش منصرف کند. آمَن بِسَبیله - به راهی که انتخاب کرده ایمان دارد. امکان ندارد بتوان او را از این راه منصرف کرد. شبیه همان ایمانی که پیغمبر به هدفش و به راهش داشت. آمَن بِقَوله- در میان همه رفقا و دوستانی که سراغ دارم احدی مثل ایشان به روحیه مردم ایران ایمان ندارد. به ایشان نصیحت می‌کنند که: «آقا! کمی یواش‌تر، مردم دارند سرد می‌شوند، مردم دارند از پا در می‌آیند.» می‌گوید: «نه، مردم اینجور نیستند که شما می‌گویید، من مردم را بهتر می‌شناسم.» و ما می‌بینیم که روز به روز صحت سخن ایشان بهتر آشکار می‌شود.

و بالاخره بالاتر از همه آمَن بربه- در یک جلسه خصوصی ایشان به من می‌گفت: «فلانی! این ما نیستیم که چنین می‌کنیم، من دست خدا را به وضوح حس می‌کنم.»

آدمی که دست خدا و عنایت خدا را حس می‌کند و در راه خدا قدم بر می‌دارد، خدا هم به مصداق (ان تنصروا الله ینصرکم) بر نصرت او اضافه می‌کند.»...مردمی که در طول چهارده قرن، حماسه محمد، علی، زهرا، حسنین، سلمان، ابوذر... و صدها هزار زن و مرد دیگر را شنیده بودند و این حماسه‌ها با روحشان عجین شده بود، بار دیگر همان ندای آشنا را از حلقوم این مرد شنیدند. علی را و حسین را در چهره او دیدند. او را آیینه تمام نمای فرهنگ خود که تحقیر شده بود، تشخیص دادند.

وزارت خارجه سرگرم مشورت با اروپا اروپایی‌ها مشغول حمایت از تروریست‌ها

روز دوشنبه ۱۵ بهمن، کنفرانسی در بروکسل به منظور بررسی «تهدیدات تروریسم دولتی ایران»! توسط مقامات پیشین و کارشناسان مبارزه با تروریسم، با حمایت بلژیک و با حضور چهره‌های امنیتی غربی برگزار شد.

به گزارش مشرق، شرکت‌کنندگان کنفرانس؛

لوئیس فری؛ رئیس‌سابق اف‌بی‌آی، جولیو ترتزی؛ وزیر خارجه سابق ایتالیا، آلخو کوادراس؛ رئیس‌کمیته جهانی «در جست‌وجوی عدالت»، ایو بونه؛ رئیس‌سابق دستگاه اطلاعاتی فرانسه، کلود مونکیه؛ از «مرکز امنیت و استراتژیک اروپایی» و فرزین هاشمی؛ از گروهک منافقین بودند. روز جمعه نیز تظاهرات منافقین در پاریس با حمایت فرانسه و حضور تعدادی از چهره‌های سیاسی فرانسوی، برگزار شد. جالب اینجاست که تنها چند روز قبل، عباس عراقچی در پاریس مشغول «مشورت» با فرانسوی‌ها برای اجرای INSTEX بود. وزارت خارجه تاکنون هیچ واکنشی نسبت به برگزاری این نشست در بلژیک نشان نداده و حتی سفیر این کشور در تهران هم احضار نشده است. نه سخنگوی وزارت خارجه و نه ظریف حتی در حد یک توئیت هم از کشور برگزارکننده نشستی که دولت ایران را رسماً «تروریست» نامید، انتقاد نکرده‌اند.

مشرق می‌پرسد: وزارت خارجه دقیقا چه‌کار می‌کند؟

گفت و شنود

قیمت خرید!

گفت: اجلاس ورشو که برای مقابله با اقتدار و حضور منطقه‌ای ایران برگزار شد به کجا رسید؟!

گفتم: چند ماه سر و صدا کردند و لاف زدند ولی نهایتاً کوه موش زائید و به جای مقابله با ایران، خودشان به جان هم افتادند!

گفت: راست گفته‌اند که اسب‌های درشکه وقتی به سربالایی می‌رسند و نمی‌کِشند و از نفس می‌افتند همدیگر را گاز می‌گیرند! پس آن همه برو بیا برای چی بود؟!

گفتم: یارو یک پیراهن دزدیده بود و رفت بازار که آن را بفروشد، دزد دیگری دوتا مشت بهش زد و پیراهن را گرفت و رفت، وقتی یارو نزد دوستانش رفت، پرسیدند؛ چند فروختی؟ گفت؛ به قیمت خرید! به‌اضافه دوتا مشت!

نکته

هر چه کرد آن «آشنا» کرد!

بعد از حمله تروریستی به اتوبوس حامل برادران سپاه در جاده خاش به زاهدان که شهادت ۲۷ تن از آن عزیزان تامین‌کننده امنیت کشور را در پی داشت آقای حسام‌الدین آشنا، مشاور رسانه‌ای رئیس‌جمهور و رئیس مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری توئیت کرد که:

«مرزبانان ما به شهادت رسیدند. اما، ما در دام چرخه خونین و باطل انتقام نخواهیم افتاد. مسئولیت بر عهده آمران و دیه بر عهده عاقله است»!

**۱- آقای آشنا در این نوشته کوتاه، حکم اسلامی قصاص را که در تمامی ادیان الهی نیز وجود دارد و به تعبیر قرآن کریم «حیات‌آفرین» است، انکار کرده‌اند -وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ- (۱۷۹- بقره). این حکم تضمین‌کننده جان انسان‌های بیگناه و تامین‌کننده امنیت جوامع است و کسانی که قصاص قاتل را ناموجه قلمداد می‌کنند برخلاف پُ